

ضمیمه

نامه



ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۶۰۹، دوره هشتم

سال هفدهم، ۸ خرداد ۱۳۸۰

### شعار «آزادی اندیشه، همیشه، همیشه» و انتخابات رفراندوم اصلاحات در همایش انتخاباتی شیرودی

ده ها هزار جوان با شعارهای «زندانی سیاسی آزاد باید گردد»، «کیهان، رسالت، عامل در جنایت»، «علی فلاحیان، سر دسته جانیمان»، «سیمای لاریجانی خاموش باید گردد» و «توپ، تانک، سیجی دیگر اثر ندارد»، در اجتماعی که روز دوشنبه ۷ خرداد در ورزشگاه شیرودی تهران به حمایت از نامزدی محمد خاتمی برگزار شد، گرد آمدند. سعید حجاریان در سخنان کوتاهی گفت: «من به اصلاحات رای می دهم چون به آزادی سیاسی معتقدم، من به اصلاحات رای می دهم چون به شفافیت اعتقاد دارم، من به اصلاحات رای می دهم چون به تقویت نهادهای جامعه مدنی اعتقاد دارم، من به اصلاحات رای می دهم چون به سازمان دهی اجتماعی اعتقاد دارم، من به اصلاحات رای می دهم چون به گفت و گوی بین تمدن ها اعتقاد دارم.» وی ادامه داد: «اصلاحات هزینه دارد و باید برای پرداخت آن خود را آماده کنیم. دوستان هزینه پرداخته اند،

دوستانی مثل من میبورد آماج گلوله قرار گرفتند و هزینه پرداختند، فرد خاتمی هم مثل ما هزینه داده است.» حجاریان همچنین گفت که تداوم اصلاحات جز با سازمان دهی توده ای ممکن نیست. وی تصریح کرد: «هزینه اصلاحات باید سرشکن شود لذا باید خود را آماده پرداخت هزینه بیشتر از این کنیم.» (حیات نو، ۸ خرداد)

صحبت هایی این چنینی که اخیراً از طرف اصلاح طلبان حکومتی بیان می شود نشانگر رشد جوانه هایی از واقع بینی و رشد آگاهی جنبش مخصوص در طول چهار سال گذشته است. اما مسأله دیگری که قدری تأمل درباره آن ضروری است بحث درباره هزینه اصلاحات است. حجاریان در سخنان خود اشاره می کند که جنبش مردمی برای پیشرفت خود نیازمند پرداخت هزینه هایی است. با توجه به سابقه دهشتناک رژیم «ولایت فقیه» در زمینه برخورد با آزادی خواهان و اصلاح طلبان جامعه، می توان حرف های حجاریان را این طور تعبیر کرد که برای پیشبرد امر اصلاحات باید انتظار ادامه و یا بسط ترور، زندان، دستگیری و بستن روزنامه ها در آینده داشت. نکته اساسی در زمینه بحث برنامون سازمان دهی توده ای دقیقاً بدین نکته ظریف و اساسی توجه دارد که جنبش می تواند از

طریق ارتقاء کیفی، سازمانی و سیاسی خود با توانایی بیشتری به نبرد مرتجعان حاکم برود و هزینه تداوم اصلاحات را با اتکاء به توان و سازمان یافتگی خود کاهش دهد. تجربه انقلاب شکوهمند بیسن ۵۷، درس هایی ارزشمند در خود دارد که باید مورد توجه بیشتر قرار بگیرد. هزینه های تحمیل شده به جنبش اصلاحات که خود آقای حجاریان یکی از قربانیان آن است ناشی از بی توجهی به همین اصل و عدم درک عمیق از این مسأله است. شعار پیش به سوی سازمان دهی توده ای می تواند جبرانی بر خطاها و کوتاهی های گذشته باشد.

## دست در دست هم برای شکست توطئه های ارتجاع در همه پرسی ۱۸ خرداد

**رسالت: «اپوزیسیون داخلی ( نهضت آزادی، گروه دکتر پیمان، حزب ملت به همراه تشکیلات توده و چریک های فدایی اکثریت) همه توان خود را برای حمایت تبلیغاتی به کار بسته اند...»**

با نزدیک تر شدن موعد انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۰، که از سوی اکثریت وسیع مردم و نیروهای سیاسی اجتماعی میهن ما به مثابه همه پرسی برای تداوم روند اصلاحات و نفی رژیم استبدادی «ولایت فقیه» ارزیابی می شود، تلاش های سازمان یافته مرتجعان حاکم برای ضربه زدن به این روند نیز تشدید می گردد. از هفته ها پیش تلاش های مزدوران و انصار «ولی فقیه»، از جمله دستگیری های وسیع نیروهای «ملی - مذهبی» به اتهام واهی «براندازی و آسودام علیه نظام»، پورش به جنبش دانشجویی، دستگیری فعالان جنبش و سازمان دهی «اعتراقات» قربانیان شکنجه، و حتی اتخاذ تاکتیک عدم معرفی نامزد رسمی برای شرکت در انتخابات، نه تنها نتوانسته است نتایج مورد انتظار مرتجعان را برآورده کند، بلکه به بی اعتباری بیش از پیش این نیروها و تشدید نفرت و انزجار توده ها از تاریخ اندیشان حاکم منجر شده است. اظهارات و تراوشات فکری افراد منتسب به جناح «ذوب در ولایت» در هفته های گذشته به روشنی حکایت از عمق هراس و وحشت این نیروها از همه پرسی ۱۸ خرداد و نشایخ و عواقب آن دارد. محسن رضایی، سخنگوی غیر رسمی «ولی فقیه» و انصارش، سخن از آینده بحرانی که در انتظار «نظام» است می کند و دیگر عوامل و کارگزاران ارتجاع تلاش می کنند با طرح بی

ارزشی رأی مردم، مردم را نسبت به شرکت در همه پرسی ۱۸ خرداد و تأثیر آن در رویدادهای آینده کشور نا امید کنند. در میان این اظهار نظرها سخنان موحدی کرمانی و مصباح یزدی بیش از دیگران افشاگر ماهیت اندیشه های قرون وسطایی حاکمان مستبد رژیم «ولایت فقیه» است. موحدی کرمانی، که نماینده مستقیم خامنه ای در سپاه، یعنی بازوی نظامی رژیم است، به روشنی اعلام می کند که این بازی همه پرسی و رأی برای محدود کردن اختیارات «ولی فقیه» را کنار بگذراید زیرا «مشروعیت نظام و قانون اساسی نیز به ولی فقیه است و بدون امضای ولی فقیه همین قانون اساسی نیز بی اثر است و ضروری است.» مصباح یزدی یک گام جلو تر می رود و علناً اعلام می کند: «باید حکومت اسلامی را بپذیرید ولو اینکه این حکومت به زور متوسل شده باشد... هر کس مخالف حکومت اسلامی باشد محکوم است و باید با او مبارزه کرد حتی اگر یک نفر در این کشور باقی مانده باشد...» (به نقل از روزنامه «نوروز»، ۵ خرداد ۱۳۸۰).

در بررسی تاکتیک های انتخاباتی جناح راست توجه به چند مسأله اساسی و ضروری است. نخست اینکه هر چند بجز سید محمد خاتمی ۹ نفر دیگر که خود را «مستقل» معرفی می کنند، به عنوان نامزدهای انتخاباتی در انتخابات ۱۳۸۰ حضور دارند، ولی هدف اساسی شرکت این نه تن ایجاد زمینه برای ریزش رأی خاتمی در انتخابات است. نباید کوچکترین شکی داشت که بررغم همه ادعاها و قول های انتخاباتی این ۹ نفر آنها نامزدهایی هستند که با اشاره «ولی فقیه» و انصارش یا به عرصه انتخابات گذاشته اند و رأی دادن به آنها هیچ تفاوتی با رأی

### زندانیان سیاسی و انتخابات ریاست جمهوری

در حالی که تب و تاب انتخابات ریاست جمهوری، با نزدیک شدن موعد آن، هر روز نسبت به روز پیش بیشتر بالا می گیرد، خبرهای ناخوشایندی که از داخل زندان های رژیم ولایت فقیه می رسد. حاکی از زیر فشار قرار دادن هر چه بیشتر زندانیان سیاسی است. به گزارش ایسنا، ۶ خرداد هسراکبر گنجی، از انتقال هسرس از بند ۳۲۵ و نگهداری از وی به صورت انفرادی خبر داد. به گفته وی، مسئولان زندان دلیل این انتقال را تأمین امنیت جانی گنجی در آستانه انتخابات ریاست جمهوری اعلام کرده اند. اکبر گنجی در نامه ای که به خارج از زندان ارسال شده گفته است که، ظاهراً برای این که امنیت جانی او تأمین شود او را از بقیه جدا و به صورت انفرادی نگه می دارند. وی اضافه کرده که «به هیچ وجه قصد خودکشی ندارم و در تنهایی نیز با قرآن و عبادت، خودش را شاداب نگه خواهد داشت.» وی همچنین گفته است اگر غرض از انفرادی بردن آنها انتخابات ریاست جمهوری است، «او و شمس انوعظیلن، از انفرادی و دیگر دوستان از بند عمومی فرد برمی آورند که برای دفاع از آزادی و مردم سالاری به

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»

## ادامه زندانیان سیاسی و انتخابات ...

خاتمی رای دهد.» به گزارش ایسا در همان روز، همسر شمس الواعظین نیز گفته است که او از تاریخ ۲۷ اردیبهشت ماه در سلول انفرادی به سر می برد. در گزارشی دیگر از ایسا، همسر یوسفی اشکوری، در نامه بی بی سی قوه قضائیه، نسبت به وضعیت همسرش ابراز نگرانی کرده است. بنا بر همین گزارش یوسفی اشکوری ابتدا قرار بود برای دو هفته به زندان ۵۹ منتقل شود تا با بعضی از ستولت راجع به پرونده های بازداشت شدگان اخیر، پاسخ دهد. ولی اکنون شش هفته از آن تاریخ می گذرد و خبری از او نیست. همسر یوسفی اشکوری اعلام کرده است که تاکنون به مدت ۴۳ روز است که از وضعیت وی مطلقاً خبری ندارند. به گزارش روزنامه «نوروز»، ۶ خرداد، حمید کاویانی نویسنده و روزنامه نگاری که چندین روز بود ناپدید شده بود روز جمعه به خانه بازگشت. بنا به همین گزارش حمید کاویانی از وضعیت چندان مناسبی برخوردار نیست و پس از رهایی اش در خیابان حاضر به گفت و گو با هیچ کس نیست. همسر تقی رحمانی نیز با ارسال نامه بی بی سی مطبوعات نسبت به وضعیت همسر خود ابراز نگرانی کرد. قرار بوده ملاقاتی بین تقی رحمانی و خانواده اش صورت بگیرد که این قرار ملاقات توسط دادگاه انقلاب لغو گردیده است. اتهام تقی رحمانی «براندازی و اقدام علیه نظام» عنوان گردیده است. همچنین به دنبال نمایش تلویزیونی افشاری در سیاسی لاریجانی، قاضی حقیقت جو در این باره گفت: «تاکنون وکیل افشاری او را ندیده، ولی صدا و سیما در فضای گل و بلبل با او صحبت می کند.» (حیات نو، ۲ خرداد). همچنین بی خبری کامل از سایر زندانیان ملی - مذهبی دستگیر شده از جمله دکتر پیمان نشانه بسیار نگران کننده بی پیرامون توطئه های شکنجه گران رژیم است.

با اینکه بازتاب وضعیت دشوار زندانیان سیاسی در مطبوعات وابسته به جبهه دوم خرداد امری مثبت است اما محدود بودن این گزارشات به چند زندانی سیاسی سرشناس، و بی توجهی به سایر زندانیان دگر اندیش از نقطه منفی آن نیز به حساب می آید. جنبش مردمی می بایست با گسترش و پوشش خبری وضعیت زندانیان سیاسی که در تحولات پر تنش یکسال گذشته تعداد آنها رو به افزایش گذاشته ضمن سوق دادن افکار عمومی به این مسأله کلیدی جنبش، زمینه های همکاری و اتحاد عملی را به وجود آورد تا ضمن فشار به سرکوب گران بسترهای مناسب برای آزادی هر چه سریع تر آنان را فراهم آورد. تنها از طریق فشار توده ها می توان آزادی زندانیان سیاسی را عملی کرد و «اقتدار» ارگان سرکوب رژیم ولایت فقیه، یعنی قوه قضائیه را به چالش جدی کشاند. آزادی و مبارزه برای رهایی زندانیان سیاسی مقدم ترین وظیفه جنبش مردمی در مقطع کنونی است.

## کارگران و بنیاد «مستضعفان» خامنه ای

به گزارش ایرنا، ششم خرداد، صد ها تن از کارگران کارخانه جیت ری از ساعت ۷ صبح یکشنبه در مقابل ساختمان مرکزی بنیاد مستضعفان، که زیر نظر مستقیم خامنه ای و وابستگان او اداره می شود، تجمع کردند. مسئول شورای اسلامی کارخانه جیت ری در این زمینه به ایرنا گفت: «بنیاد مستضعفان، کارخانه را به سه نفر به ترتیب با ۳۸، ۲۶ و ۲۶ درصد سهام واگذار کرد و بقیه سهام مربوط به بازنیستگان است. ما کارگران با واگذاری کارخانه به بخش خصوصی مخالف نیستیم، اما عقیده داریم، این سه نفر کلاهبردار هستند، زیرا از بدو ورود به کارخانه، قصد فرودختن اموال و امکانات آن را داشتند که شورای اسلامی متوجه شد و جلوی این کار گرفت.» وی افزود، در حال حاضر حدود ۱۷۰۰ کارگر این کارخانه که بین ۱۳ تا ۲۷ سال سابقه کار دارند، بیکارند و از ابتدای سال جاری حقوق نگرفته اند. تظاهراتی چنین گسترده از سوی کارگران و زحمتکشان بخصوص در طول سه ماه گذشته، بیانگر وضعیت زحمتکشان میهنمان به عنوان قربانیان سیاست های مخرب است. اما موضوع دیگری که جنبش کارگری را تحت فشار بیشتری قرار داده، استفاده موزیانه جناح حکومتی طرفدار سرکوب از وجود چنین ناراضی های گسترده در میان کارگران و زحمتکشان است. روزنامه های معلوم الحالی همچون رسالت، کیهان و جمهوری اسلامی با درج اخبار اعتراضات کارگری چه اهدافی را دنبال می کنند؟ تکیه ۹ کاندیدای ریاست جمهوری بر روی مسائل معیشتی مردم، تورم، بهبود وضع اقتصادی، فقر و ... بر اساس کدامین ارزیابی ها صورت می گیرد؟ تمامی این جارجهال ها تصادفی نمی تواند باشد. اما آیا می توان به این دلیل که مرتجعان حاکم هم در این راستا قصد سوء استفاده برای مقاصد سرکوب گرانه خویش را دارند از مطالبات برحق زحمتکشان دست کشید؟ به نظر ما جواب به این سوال منفی می باشد. واقعیت آن است که جنبش مردمی هنوز از میزان، توان و آگاهی جنبش کارگری تاکنون حد اکثر استفاده را نبرده است. مطالبات جنبش کارگری نه تنها مغایرتی با جنبش مردمی ندارند بلکه جزئی جدایی ناپذیر و تعیین کننده در پیشرفت کل این جنبش است. توجه به مسائل کارگری، افشای سیاست های مزورانه مرتجعان حاکم زیر لوای دفاع از کارگران، الحقیق مبارزات سیاسی و صنفی کارگران و تبلیغ درباره ضرورت سازمان دهی مستقل تشکل های کارگری نزد کارگران نه تنها ماهیت مدعیان دروغین کارگران را افشا می سازد بلکه دشواری و ضعف های عمده در جنبش کارگری را نیز برطرف می سازد. مطالبات و خواسته های کارگران و زحمتکشان به هیچ وجه نباید وجه المصلحت شرایط سیاسی قرار بگیرد.

## ادامه دست در دست هم ...

دادن به امثال ناطق نوری ها، رفسنجانی ها، مصباح بزدی ها و دیگر کارگزاران ارتجاع ندارد. دوم آنکه نیروهای ارتجاع حساب می کنند که با کاهش رأی خاتمی در انتخابات و طرح این ادعا که زمینه های اجتماعی برای ادامه روند اصلاحات تضعیف شده است، می توانند با دست پر، پس از برگزاری انتخابات فشار را بر روی اصلاح طلبان حکومتی برای مباحثات و سازش بیش از پیش تشدید کنند و از این طریق به صورت تدریجی روند اصلاحات را متوقف کنند.

بررسی حوادث هفته های اخیر، نشانگر شکست برنامه های ارتجاع در اکثر جبهه هایی است که بر ضد روند اصلاحات گشوده است. ولی اخبار و گزارش های رسیدنی حاکی از گشوده شدن جبهه های جدید، از جمله سازماندهی تقلبات وسیع در انتخابات برای بالا بردن رأی مخالفان خاتمی و کاهش آرای او، ایجاد تشنج و درگیری برای منصرف کردن مردم از حضور در انتخابات، که حمله و به آتش کشیدن ستاد انتخاباتی خاتمی در اصفهان از نمونه های آنست. ارتجاع در عین حال با علم به هوشیاری مردم از امکان اجرای چنین توطئه هایی از هم اکنون تلاش می کند تا پرونده این تحریکات و عملیات بر ضد مردم را به گردن جنبش بیاندازد. روزنامه رسالت در شماره ۷ خرداد ۱۳۸۰ خود از «دسیسه های جدید» در مورد حضور مردم در ۱۸ خرداد خبر داد و مدعی شد: «اپوزیسیون داخلی (نهضت آزادی، گروه دکتر پیمان، حزب ملت و به همراه تشکیلات توده و چریک های فدایی اکثریت) همه توان خود را برای حمایت تبلیغاتی [خاتمی] به کار بسته اند...»

بی شک متهم کردن نیروهای مردمی به همکاری در راه دفاع از حقوق مردم، از سوی یکی از ارگان های مطبوعاتی ارتجاع، چیزی از اعتبار این نیروها در نزد توده ها نخواهد کاست و نشانگر هراس عمیق ارتجاع از اتحاد عمل همه نیروهای آزادی خواه و مردمی در مبارزه بر ضد رژیم استبدادی «ولایت فقیه» است.

نکته مهم دیگری که در هفته های اخیر بروشنی می توان آن را مشاهده کرد، تعمیق این درک است که مهمترین مسأله در برابر جنبش مردمی، یعنی آن چیزی که رهبران جبهه دوم خرداد آن را «انسداد» سیاسی می نامند، پیدا کردن راه کارهایی است برای خروج از بن بست کنونی. دیالکتیک اوضاع شدت حساس کنونی آنچهان وضعیت را پدید آورده است که شرکت هماهنگ اکثریت مردم در همه پرسى ۱۸ خرداد در کنار اتحاد عملی نیروهای سیاسی مدافع آزادی و تداوم روند اصلاحات می تواند ضربه مهمی به «اقتدار» ارتجاع حاکم وارد آورد. باید توجه داشت که این اتحاد وسیع در همه پرسى ۱۸ خرداد بر ضد رژیم «ولایت فقیه»، بیش از یک جمع عددی ساده درباره تعداد آرای خاتمی است، بلکه امکانی است برای تداوم حضور نیروهای مردمی در صحنه. حرکت در جهت سازماندهی آنها و راه گشایی به سستی که بتواند در چشم انداز آن امکان تحولات بنیادین، دموکراتیک و پایدار را پدید آورد. حزب توده ایران همچنان معتقد است که در چارچوب رژیم استبدادی و قرون وسطایی «ولایت فقیه» نمی توان به تحولات بنیادین دست یافت. این فکر و نظر بیش از پیش در جامعه ما به عنوان نظریه معتبر و راه گشا جا افتاده است و این سؤال اساسی را در برابر همه نیروهای مدافع اصلاحات و آزادی قرار داده است که چگونه می توان بر سد کنونی روند اصلاحات به نفع منافع اکثریت مردم محروم و ستمدیده فائق آمد. پاسخ این سؤال همان طوری که حزب ما سال هاست آنرا تکرار کرده و می کند چیزی جز سازماندهی مردم در یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری و ضد استبدادی برای تشدید مبارزه در راه آزادی نیست. همه پرسى ۱۸ خرداد ۱۳۸۰، گامی در این راه است که باید با تمام توان به استقبال آن رفت.

آدرس ها: فقط در مکاتبات خود با آدرس های زیر. از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany  
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK  
3. <http://www.tudehpartyiran.org>

Supplement to Nameh Mardom-NO 609  
Central Organ of the Tudeh Party of Iran

29 May 2001

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام  
IRAN e.V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse